

# ستون اول

## منصور حکمت

دوره دوم ریاست جمهوری کلینتون در متن بی تفاوتی عمیق و بدبینی عمومی مردم به دولت و کل رژیم سیاسی در آمریکا آغاز شد. و وقتی توهمی نیست، به تظاهر هم نیازی نیست. چهار سال قبل کلینتون با شعار "تغییر" و در میان هلله جامعه روشنفکری و هنری آمریکا به قدرت رسید. امروز همه میدانند که این صرفاً یک دولت راست مرکز است که بخش مهمی از پلاتفرم حزب جمهوریخواه، از جمله کاهش شدید بیمه های اجتماعی و بیخانمان کردن میلیونها خانواده فقیر، و بخصوص حمله به معاش مادران مجرد، را نه فقط اتخاذ کرده بلکه عملاً به اجرا گذاشته است. آنچه در این دوره چشمگیر است، غیبت هنر و راجی عوامفربانه راجع به اصول و ایده آل هاست. ۵ سال پیش بیمه درمانی همگانی در صدر شعارهای کمپین انتخاباتی کلینتون بود. کلینتون امروز میگوید: "باید انتظارات واقعی داشت. باید تلاش کرد که بیشتر شاغلین از نوعی پوشش درمانی برخوردار بشوند."

دوره "عدم توهم - عدم تظاهر"، سمبلی بهتر از مادالین اولبرایت، وزیر خارجه دست راستی جدید آمریکا پیدا نمیکند. در نخستین سخنرانی های خود پس از انتصاب به این پست، و بخصوص در سخنرانی در انستیتو بیکر، خانم اولبرایت با صراحت خیره کننده ای که میتواند به یکسان حمل بر پختگی یا ناپختگی ایشان شود، اهداف واقعی سیاست خارجی آمریکا و معادلات واقعی در روابط بین المللی را برملا میکند. هدف، بدون هیچ پرده پوشی تامین برتری و رهبری و هژمونی آمریکاست که نهایتاً با سود و با دلار سنجیده میشود. جهان صحنه رقابت و فقط رقابت است. حتی با متحدین دیرین اروپایی باید تعیین تکلیف بشود. وزارت خارجه و سرویس دیپلماتیک آمریکا ارگانی در خدمت عملکرد کمپانی های آمریکایی در جهان است. فلسفه وجودی سازمان ملل پیشبرد "منافع آمریکا" است. بحث حقوق بشر صرفاً یک ابزار وزارت خارجه برای اعمال فشار بر "کشورهای بدقلق و یاغی" است. حتی صلح خاورمیانه صرفاً بعنوان شرط "ثبات بهای نفت" و اجتناب از تکرار "کله معلق" سالهای ۷۰ موضوعیت پیدا کرده است.

خانم اولبرایت اصراری به تراشیدن اصول و آرمانهای باشکوه و یا ابداع "رسالت" های تاریخی برای آمریکا ندارد، شاید امروز دوره اینکار هم نیست. از پس عبارت فراموش شده نظم نوین جهانی، یک رقابت خشک و علنی در سطح جهانی ظهور کرده است که هنوز تعیین تکلیف نشده است. تا اطلاع ثانوی، "رهبر" سابق "جهان آزاد" صرفاً شرکت کننده دیگری در این جدال است.

\*\*\*

هفته گذشته کاخ سفید اعلام کرد که برای نخستین بار به ده خبرگزاری آمریکایی اجازه داده است در کوبا دفتر دایر کنند. توضیح کاخ سفید در مورد این تصمیم برملا کننده خصلت ارتجاعی و وابسته ژورنالیسم رسمی است. صدور این اجازه از اینرو نیست که گویا دولت آمریکا ناگهان پی برده است که اعمال ممنوعیت بر مطبوعات و رسانه ها و محدود کردن آزادی اطلاعات و حق دسترسی مردم به حقایق و تابع کردن مطبوعات به سیاست خارجی با پز دفاع از حقوق بشر و آزادی های مدنی جور در نیاید. خیر، برعکس، به گفته سخنگوی کاخ سفید این اقدام از آن رو اتخاذ شده است که حضور این رسانه ها و "بیان حقایق سیاسی و اقتصادی کوبا" فشار بر دولت این کشور را افزایش میدهد و به "امر تغییر رژیم کوبا و پیشرفت سیاست آمریکا در این کشور" یاری میرساند. بعبارت دیگر رسانه های مربوطه قرار است بعنوان ابزار پیشبرد سیاست خارجی آمریکا گسیل شوند. تکلیف نوع "حقایقی" که باید از این پس به اطلاع جهانیان برسد از هم اکنون روشن است. اعتمادی که کاخ سفید به سلیقه خبری، تشخیص سیاسی، و "وجدان" حرفه ای و وفاداری رسانه ها و ژورنالیستهای مربوطه دارد تحسین برانگیز است. حق هم دارند. عملکرد این رسانه ها را در ماجرای پیروزی بازار و دموکراسی و عروج یلتسین ها و توجمان های این دنیا دیده ایم. شبیحی هولناک بر فراز سر مردم کوبا چرخ میزند.